



سال ۵۳ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۰۶ - بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۷۵ - ۹۵	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰
HomePage: <a href="https://jquran.um.ac.ir/">https://jquran.um.ac.ir/</a>	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱
نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹
DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jquran.2021.68669.1049">https://doi.org/10.22067/jquran.2021.68669.1049</a>	

## تحلیل آماری کاربست الفاظ مبهم در تحمل حدیث در الکافی و مقایسه آن با سیره محدثان متقدم فریقین

دکتر نوروز امینی

استادیار دانشگاه گیلان

Email: [norouz.amini@guilan.ac.ir](mailto:norouz.amini@guilan.ac.ir)

### چکیده

یکی از مسائل مهم در ارزیابی اسناد احادیث، طریق تحمل و شیوه انتقال حدیث است و عالمان و محدثان، به ویژه در دوره‌های متأخر، بر این امر تأکید داشته‌اند؛ به گونه‌ای که وضوح شیوه انتقال حدیث را یکی از امارات اصالت و صحت حدیث در شمار آورده‌اند. پژوهش حاضر، اسناد روایات کتاب الکافی را از این منظر مورد بررسی قرار داده و ضمن ارزیابی آماری بسامد کاربست طرق مختلف تحمل حدیث در الکافی، شبهات وارده پیرامون ابهامات موجود در طرق تحمل حدیث در این کتاب، به ویژه شبهه وجود «عننه» در اسناد الکافی را، به روش تحلیل آماری بررسی می‌کند. یافته‌ها حکایت از آن دارد که مسئله تصریح به کیفیت و طریق تحمل حدیث نزد محدثان نخستین، به ویژه در مکتب امامیه، چندان مورد توجه نبوده و بیشتر بر اتصال سند، روایت از ثقه و سایر قرائن و شواهد سندی و متنی تأکید می‌کردند.

کلید واژه‌ها: طریق تحمل حدیث، کلینی، الکافی، عننه، مصطلح الحدیث.



## Statistical Analysis of Using Ambiguous Expressions of the Method of Receiving in al-Kafi and Comparing It with the Earlier Traditionists of Two Great Sects of Islam's Approach

**Dr. Norouz Amini**

Assistant Professor, University of Guilan

Email: [norouz.amini@guilan.ac.ir](mailto:norouz.amini@guilan.ac.ir)

### Abstract

One of the most important issues in evaluating the Isnads of the narrations is the method of its reception and transmission. Scholars and traditionists, especially in the later periods, have emphasized this matter; So, they've considered the clarity of the method of transmitting the Hadith as one of the signs of its authenticity and accuracy. This study has examined the Isnads of al-Kafi narrations from this perspective. Also, it extracts statistics on the use of different methods of receiving the Hadith in this book and through a statistical-analytical method, investigates the doubts concerning ambiguities in these receiving ways in this book; especially the question about the existence of A>na>nah (literal transmission) in the Isnads of al-Kafi. The findings suggest that the first traditionists, especially those in the Twelver Shi'a school, didn't pay much attention to the quality and the method of receiving and transmitting the narration. In return, they often emphasized the connection of the Isnad, narrating from the trustworthy, and other documentary and textual evidence.

**Key words:** The method of receiving and transmitting the Hadith, Koleyni, al-Kafi, A>na>nah, Hadith terminology

## مقدمه

از دیرباز شیوه‌های فراگیری حدیث از جمله معیارهای ارزش‌گذاری حدیث بوده است. با توجه به اهمیتی که حدیث نزد مسلمانان دارد و نظر به دقتی که محدثان در اثبات اصالت حدیث و صحت انتساب آن به معصوم روا داشته‌اند، از دیرباز عالمان و محدثان، نگاه ویژه‌ای به طرق تحمل حدیث کرده‌اند؛ بدین ترتیب که در تلقی هر حدیث از مشایخ خود، در جزئیات طرق تحمل مشایخ خود دقت کرده و چگونگی انتقال حدیث و وصول آن به مشایخ را از ایشان جویا شده‌اند و به هنگام گزارش حدیث نیز علاوه بر این‌که طریق تحمل خود را به روشنی بیان کرده‌اند، کوشیده‌اند که طریق انتقال حدیث در طبقات بالاتر را نیز با دقت و ظرافت هر چه تمام گزارش کنند تا سند حدیث از اتقان بیشتری برخوردار شود و بدین ترتیب اعتبار حدیثی که نقل می‌کنند، بیشتر شود. در این میان برخی محدثان و مصنفان احادیث، گاه برای رعایت اختصار یا به دلایلی دیگر، طرق تحمل حدیث را پوشیده داشته و به الفاظ مبهمی چون «قال» یا «عن» بسنده کرده‌اند که این امر باعث شده طریق انتقال حدیث از استاد به شاگرد برای مخاطبان مخفی بماند. از سوی دیگر دورانی که حدیث بیشتر به صورت شفاهی نقل شده، سماع مستقیم حدیث از شیخ به عنوان معتبرترین راه اخذ حدیث به شمار می‌رفت و احادیثی که از طرق دیگر مثل وجاده و وصیت و اعلام و... منتقل می‌شد، دارای اعتبار کمتری بود و باعث می‌شد که محدثان در مواجهه با این‌گونه احادیث، کمتر بدان‌ها اعتماد کنند. این اصرار بر سماع باعث شد که برخی افراد جاعل و دروغگو نیز برای اعتبار بخشیدن به سخنان خود، به جعل اسنادی با طرق تحمل حدیث واضح روی بیاورند و بدین ترتیب تلاش کنند تا زمینه پذیرش مجعولات خود را در میان اصحاب حدیث فراهم آورند. این فعل و انفعالات باعث شد که در برهه‌ای از زمان، سره و ناسره در هم آمیزد و مشکلاتی در گزارش روایات پدید آید که بررسی آن نیازمند مجالی دیگر است.

یکی از مهم‌ترین منابع حدیثی شیعه، الکافی از ثقة الاسلام کلینی است که جایگاهی والا در میان امامیه دارد و تألیف آن به دوران غیبت صغری بازمی‌گردد و به همین دلیل و دلایل بسیار دیگر، اهمیت بسیاری در شکل‌گیری منظومه معرفتی شیعه دارد (جهت اطلاع از دلایل اهمیت الکافی ر.ک: حجت، ۵۷) و به دلیل همین اهمیتش از دیرباز پیوسته زیر ذره‌بین عالمان موافق و مخالف بوده و هر یک به نوبه خود در تقویت یا تضعیف جایگاه آن کوشیده‌اند. با این حال یکی از مهم‌ترین طعن‌های وارد بر این کتاب، ایرادی است که به طریق تحمل احادیث آن وارد ساخته‌اند که چرا بیشتر احادیث الکافی به اصطلاح «معنعن» است و کلینی در گزارش روایات خود، وجه تحمل حدیث را پوشیده داشته و بدین ترتیب اعتبار روایات کتاب خود را زیر سوال برده است. (پهلوان، ۲۲۴) این پژوهش درصدد است تا نخست صحت و سقم این ادعا را از طریق بررسی آماری روایات الکافی بسنجد و سپس با تحلیل روش کار محدثان بزرگ امامی در گزارش اسناد، طی قرن‌های سوم و چهارم هجری (دوران حیات کلینی)، شبهات وارده درباره اسناد روایات الکافی را بررسی و

نقد کند. بنابراین، مهم‌ترین پرسش پژوهش حاضر این است که آیا آن‌گونه که برخی ادعا کرده‌اند، کلینی در گزارش روایات خود، طرق تحمل حدیث را پوشیده داشته و اگر چنین است، دلیل این کار کلینی چیست و آیا این شیوه، یعنی عدم وضوح در بیان طریق تحمل حدیث، در زمان کلینی و در میان محدثان امامی، امری پذیرفته و مرسوم بود یا اینکه کاری غیر متعارف به شمار می‌رفت؟

ضرورت و اهمیت این موضوع از آن روست که الکافی مهم‌ترین منبع روایی شیعه و معتبرترین آنها به شمار می‌رود که هم از نظر محتوا از سایر منابع متقدم امامی حجیم‌تر است و هم از نظر اعتبار، جایگاه ویژه‌ای در شکل‌دهی باورهای شیعی دارد و در میان چهار کتاب اصلی حدیث شیعه، تنها کتابی است که علاوه بر فروع و فقهی، مباحث مربوط به اصول عقاید را نیز ذکر کرده است و از این رهگذر تأثیری شگرف در شکل‌گیری اندیشه‌های شیعی دارد. لذا هر طعنی که بر آن وارد می‌شود، به طور مستقیم عقاید و باورهای شیعی را زیر سؤال می‌برد و بالطبع هر طعنی که از آن دفع می‌شود، در حقیقت، باورهای شیعی را در مقابل طعن‌های مخالفان، تطهیر و اصالت و صحت این باورها را به اثبات می‌رساند.

تا کنون درباره اعتبار کتاب الکافی و دفاع از اصالت روایات آن، پژوهش‌های بسیار سامان داده شده است که از مرتبط‌ترین این پژوهش‌ها با مسئله تحقیق حاضر به کتاب العنونه من صیغ الأداء للحدیث الشریف اثر سیدمحمدرضا حسینی جلالی می‌توان اشاره کرد که روش عنونه را در گزارش اسناد، روشی معتبر و مرسوم نزد محدثان متقدم می‌داند که به تدریج در دوره‌های بعد بنا به ملاحظات جایگاه خود را از دست داده است. (ر.ک: حسینی جلالی) علاوه بر این در کتاب رسایل فی درایه الحدیث اثر آقای ابوالفضل حافظیان نیز به این مقوله پرداخته و ضمن ادعای اجماع محققان بر احتمال نزدیک به یقین در متصل و معتبر بودن احادیث معنعن، بر اعتبار روش عنونه در گزارش اسناد و رواج آن نزد محدثان نخستین تأکید شده است. (ر.ک: حافظیان، ۱/ ۱۷۸) در مقاله «علل گرایش کمیته متقدمان امامیه به طرق تحمل حدیث» اثر آقای مهدی ایزدی نیز ضمن پذیرش تلویحی کثرت عنونه در عموم روایات امامیه، تلاش شده تا عوامل این پدیده و میزان اثر آن بر ارزش روایات امامیه بررسی شود. با این حال در خصوص ارزیابی آماری طرق تحمل حدیث در الکافی پژوهش مستقلی انجام نشده است که این امر، ضرورت و اهمیت کار را بیش از پیش جلوه‌گر می‌سازد. علاوه بر موارد پیشگفته، مقاله مدخل «تحمل حدیث» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، نیز به لحاظ موضوعی با مسئله این پژوهش قرابت دارد، با این حال ماهیت دائرة المعارفی بودن آن مقاله باعث شده است که مباحث، به صورت کلی ارائه شود و مطالعه دقیقی روی نحوه کار بست الفاظ تحمل حدیث در الکافی در آن صورت نگیرد.

روش کار در این پژوهش بدین شرح است که نخست سه کتاب از نخستین کتاب‌های بخش اصول الکافی، یعنی کتاب العقل و الجهل، کتاب العلم و کتاب التوحید و دو کتاب از اواسط و اواخر بخش فروع،

یعنی کتابهای الحج و الوصایا و صد روایت انتهایی بخش روضه کافی، به عنوان جامعه آماری انتخاب و کلیه اسناد این بخش‌ها، مورد بررسی قرار گرفته و آمار طریق تحمل همه روایات استخراج و دسته‌بندی شده و میزان بسامد هر یک از طرق تحمل حدیث در این دو کتاب مشخص شده است. آن‌گاه با بررسی و مقایسه آمار به دست آمده از هر یک از طرق تحمل حدیث در این بخش‌ها، شیوه کلینی در گزارش روایات فراهم آمده سپس با تحلیل روش کار سایر محدثان هم‌عصر کلینی در گزارش حدیث، میزان توجه آنها به طرق مختلف تحمل حدیث استخراج شده است تا از این رهگذر بتوان به درستی و با وضوح به این پرسش مهم پاسخ داد که آیا کلینی در انتخاب روش «نعنه» در اسناد روایات کتاب خود، خلاف روش عصر خود عمل کرده یا اینکه از روشی که محدثان عصر او از آن پیروی می‌کرده‌اند، سرمشق گرفته است. بی‌شک نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند در رد یکی از مهم‌ترین شبهات بر کتاب الکافی مؤثر و گامی در راستای ارتقای اعتبار این کتاب شریف برداشته شود.

## بحث و بررسی

پیش از ورود به بحث درباره طرق تحمل در الکافی لازم است تا نخست مختصری درباره مفهوم طریق تحمل حدیث و انواع آن بحث شود تا زمینه برای فهم بهتر مطالب آماده گردد.

### ۱- تحمل حدیث

طریق تحمل حدیث اصطلاحی در علوم حدیث است که ناظر به چگونگی پیوستگی میان هر راوی و شیخ در سلسله سند حدیث است. این واژه از ریشه «حمل» به معنای بردن گرفته شده و به معنای پذیرفتن چیزی برای حمل است. (فراهیدی، ۳/ ۲۴۰؛ ابن فارس، ۲/ ۱۰۶) این عبارت در اصطلاح علم حدیث به معنای اخذ حدیث از استاد است که در مقابل آن، ادای حدیث قرار دارد. (حارثی، ۱۳۱؛ بهائی، ۲۷۳؛ طریحی، ۲۰؛ صدر، ۴۳۹؛ مامقانی، مقباس الهدایه، ۲/ ۵۶) مباحث مربوط به این موضوع در کتاب‌های درایه در دو محور شرایط تحمل و ادای حدیث و طرق تحمل و ادای حدیث بحث می‌شود. (برای آگاهی از شرایط تحمل حدیث و ادای آن نزد شیعه و اهل سنت ر.ک: شهید ثانی، ۲۱۶-۲۳۰؛ ابن صلاح، ۱۳۳؛ ابن دقیق، ۲۷؛ کجوری، ۲۱۱) از طرفی برای تحمل حدیث و ادای آن نیز، الفاظی وضع شده است که از چگونگی دریافت و انتقال حدیث حکایت دارد و از آن به طرق تحمل حدیث یاد می‌شود.

### ۱-۱- انواع طرق تحمل حدیث

ماهیت انتقال حدیث، که در سده‌های اول هجری، بیشتر صورت شفاهی داشته، باعث شده است که شیوه‌های مختلفی برای دریافت و ادای حدیث به وجود بیاید. این شیوه‌ها رفته‌رفته با شیوع کتابت حدیث، تنوع بیشتری یافت و با گسترش دامنه احادیث، دامنه تنوع طرق انتقال حدیث نیز گسترش یافت. عالمان مسلمان حدود هفت (بهائی، ۱۷؛ شهید ثانی، ۲۳۴؛ کجوری، ۲۱۱) یا هشت شیوه را (ابن صلاح، ۱۳۳)

برای تحمل حدیث بیان داشته‌اند. دلیل این اختلاف یکی شمردن وصیت و اعلام طبق برخی دیدگاه‌ها است. به هر حال راه‌های تحمل حدیث در هشت مورد به شرح زیر قابل دسته‌بندی است: ۱- سماع، ۲- قرائت، ۳- اجازه، ۴- مناوله، ۵- کتابت، ۶- اعلام، ۷- وصیت، ۸- وجاده. (شهید ثانی، ۲۳۴؛ ابن‌صلاح، ۱۳۳) با توجه به ماهیت شفاهی نقل حدیث، سماع عالی‌ترین شیوه تحمل حدیث است و حدیثی که از این طریق منتقل شده باشد، از اتقان و اعتبار بیشتری برخوردار است. (مامقانی، مقباس الهدایه، ۶۹/۲؛ شهید ثانی، ۲۳۵) محدثان الفاظی چون «سمعت/سمعنا»، «حدثنی/حدثنا»، «أخبرنی/أخبرنا»، «أنبأنی/أنبأنا» و «تَبَّأنی/تَبَّأنا» را در اسناد روایات، دال بر سماع دانسته‌اند. (شهید ثانی، ۲۳۵)

قرائت که پس از سماع، برترین طریق تحمل قلمداد می‌شود، از آن جهت که بر گفتار و شنیدار متکی است، مانند سماع است. (مامقانی، مقباس الهدایه، ۸۳/۲) البته چنین شیوه‌ای زمانی قابل اعتماد است که شیخ، پس از شنیدن روایت، صحت آن را - هر چند با سکوت - تأیید کند. (شهید ثانی، ۲۳۸) از میان الفاظ مختلف تحمل حدیث، «قرأت علی فلان فأقرت»، «قریء علیه و أنا أسمع فأقرت الشیخ به»، «حدثنی/حدثنا قرائة علیه» و «أخبرنی/أخبرنا قرائة علیه» به وضوح ناظر بر همین طریق تحمل است. (شهید ثانی، ۲۴۲)

اجازه بدین معناست که شیخ به راوی اجازه دهد تا شنیده یا کتاب روایی او را نقل کند. (ابن‌صلاح، ۱۱۱؛ شهید ثانی، ۲۵۹؛ صدر، ۴۵۴) الفاظی چون «حدثنا مشافهة»، «أخبرنا مشافهة»، «أخبرنا فلان کتابة»، «أخبرنی اجازه»، «فیما کتب إلی» و «أجازنی» را دال بر این قسم از طرق تحمل دانسته‌اند. (شهید ثانی، ۲۸۶)

مناوله به دو شکل انجام می‌شود: الف) مناوله مقرون به اجازه، که شیخ هم کتاب را در اختیار راوی قرار می‌دهد و هم به او اجازه نقل آن را می‌دهد. ب) مناوله مطلق که شیخ تنها کتاب را در اختیار راوی قرار می‌دهد و صرفاً می‌گوید: «هذا سماعی» یا «هذا روایتی» (مامقانی، مقباس الهدایه، ۱۳۶/۳؛ همو، تنقیح المقال، ۱، ۲۱۵) الفاظی مثل «حدثنا مناوله»، «ناولنی» و «أخبرنا مناوله» به وضوح دال بر این شیوه تحمل حدیث است. (شهید ثانی، ۲۸۴)

کتابت آن است که شیخ روایات خود را برای مخاطب حاضر یا غایب بنگارد یا به شخصی مورد اعتماد فرمان دهد تا آن روایات را برای آن مخاطب بنگارد و خود در پایان تصریح نماید که این کتابت به فرمان او انجام شده است. (مامقانی، مقباس الهدایه، ۱۵۲/۳) الفاظی چون «کاتبنی»، «أخبرنی کتابة»، «کتب الی فلان: قال: حدثنا فلان» و «أخبرنی/أخبرنا مکاتبة» بر این شیوه تحمل حدیث دلالت دارد. (شهید ثانی، ۲۹۱) اعلام آن است که شیخ به شخصی با گفتار صریح یا غیر صریح یا کتابت اعلام کند که این کتاب یا حدیث، سماع یا روایت او از فلان استاد است، اما از اجازه روایت آن سخنی به میان نیاورد. (ابن‌صلاح، ۱۷۵؛ مامقانی، مقباس الهدایه، ۱۵۸/۳) برخی عالمان، اعلام را با وصیت یکی گرفته‌اند. (شهید ثانی،

وصیت آن است که شیخ هنگام مرگ یا مسافرت به شخصی وصیت کند که کتاب روایی او را روایت کند. (مامقانی، مقباس الهدایه، ۱۶۲/۳؛ سیوطی، ۵۶/۲) الفاظی چون «وصّانی» و «أخبرنی وصیة» به وضوح بر این شیوه دلالت دارد. (شهید ثانی، ۲۹۲؛ پاکتچی، ۶۴۴)

وجاده بدین معناست که راوی، کتاب یا روایاتی را به خط شیخ بیابد و از روی یقین به خط شیخ بودن، آن را روایت کند؛ چه با شیخ صاحب خط معاصر باشد یا نباشد. (شهید ثانی، ۲۹۷) الفاظی مثل «قرأت بخط فلان»، «فی کتاب فلان بخطه: حدثنا فلان»، «وجدت بخط فلان عن فلان»، «بلغنی عن فلان»، «قیل انه بخط فلان» و «فی کتاب ظننت انه بخط فلان» بر حالت‌های مختلف این شیوه تحمل حدیث دلالت دارد. (شهید ثانی، ۲۹۸)

### ۲-۱- انواع تعبیّرات در طرق تحمل حدیث

آنچه گفته آمد، انواع طرق تحمل حدیث و تعریف هر طریق بود. اما راویان احادیث برای اینکه بتوانند وجه تحمل روایاتی را که نقل می‌کنند، به مخاطبان منتقل کنند، از الفاظ مختلفی استفاده می‌کردند که هر کدام از این الفاظ به یکی از طرق تحمل حدیث ناظر بود که در سطور گذشته برخی از مهم‌ترین این واژگان ذکر شد. اما الفاظ حاکی از طرق تحمل حدیث را از نظر وضوح و ابهام موجود در آنها به دو قسم تعبیّرات واضح و تعبیّرات مبهم می‌توان تقسیم کرد.

#### ۱-۲-۱- تعبیّرات واضح

دسته‌ای از تعبیّرات هستند که به وضوح، کیفیت تحمل حدیث را به مخاطب القا می‌کنند. این تعبیّرات تحت عنوان تعبیّرات واضح قابل جمع است. از میان تعبیّرات دال بر سماع، تنها تعبیر «سمعت» است که هیچ ابهامی در آن وجود ندارد و به وضوح بر سماع دلالت دارد. در حالی که سایر الفاظ از چنین وضوحی برخوردار نیستند؛ مثلاً لفظ «حدثنی» هر چند ظهور در قرائت شیخ و به تبع آن سماع راوی دارد، اما در آن احتمال اجازة هم می‌رود. (شهید ثانی، ۲۳۵) با این حال اغلب محدثان، الفاظ «حدثنی/حدثنا» را جزو الفاظ صریح در سماع دانسته‌اند. (ابن‌صلاح، ۹۸)

الفاظی مثل «قرأت علی فلان فأقرّ»، «حدثنا/أخبرنا قرائة علی»، «أخبرنی/أخبرنا قرائة علی» و «قریء علی» و «أنا سمع فأقرّ الشیخ به» نیز به وضوح بر طریق قرائت دلالت دارد و فاقد هرگونه ابهامی در این زمینه است. (ابن‌صلاح، ۱۰۰) در طریق اجازة نیز الفاظ «أخبرنی اجازة»، «أخبرنی إذناً»، «فیما أذن لی فیه»، «أجاز لی فلان» و «فیما كتب إلی» از الفاظ واضح به شمار می‌روند. (ابن‌صلاح، ۱۱۴؛ شهید ثانی، ۲۸۵) همان‌گونه که الفاظ «حدثنا/أخبرنا مناولة» و «ناولنی» به وضوح بر شیوه مناولة دلالت دارد (ابن‌صلاح، ۱۱۴) و نیز الفاظ «کاتبنی»، «أخبرنی کتابة»، «كتب إلی فلان» و «أخبرنی/أخبرنا مکاتبة» (شهید ثانی،

۲۹۱؛ پاکتچی، (۶۴۴) نیز به وضوح بر شیوه کتابت و الفاظ «وصّانی» و «أخبرنی وصیة» (ابن صلاح، ۱۱۴؛ پاکتچی، ۶۴۴) به وضوح بر شیوه وصیت دلالت دارد.

### ۱-۲-۲- تعبیرات مبهم

در مقابل الفاظ واضح، برخی تعبیرات هستند که در دلالت بر هر یک از طرق تحمل حدیث دارای ابهام هستند. از این الفاظ تحت عنوان تعبیرات مبهم یاد می‌شود؛ مثلاً لفظ «أخبرنا» هر چند ظهور در اخبار از قول دارد و می‌تواند بر سماع دلالت کند، اما در اجازه و مکاتبه نیز به کار می‌رود و لذا اهل درایه آن را از تعبیرات مبهم در سماع به شمار آورده‌اند. (شهید ثانی، ۲۳۴) همچنین است الفاظی مثل «انبأنا» و «نبأنا» که به خاطر دلالت بر قول، می‌تواند جزو الفاظ سماع باشد، اما برای اینکه به روشنی بر مقام تحدیث دلالت نمی‌کند، در ردیف الفاظ مبهم به شمار آمده است. (شهید ثانی، ۲۳۵؛ ابن صلاح، ۹۹) یا الفاظ «قال فلان» که محمول بر سماع عرفی است، اما روشن نیست که راوی، مقول قول را به طور مستقیم از گوینده گرفته یا با واسطه اخذ کرده است. (شهید ثانی، ۲۳۶) لذا در شمار الفاظ مبهم قرار می‌گیرد. الفاظی مثل «أجازنی»، «حدثنا/أخبرنا مشافهة»، «أخبرنا فلان کتابة» و «أنبأنی» نیز هر چند ظهور در اجازه دارند، اما به دلیل کاربردشان در سایر طرق تحمل حدیث، در شمار الفاظ مبهم قرار دارند. (ابن صلاح، ۱۱۴؛ شهید ثانی، ۲۸۶) یکی از مهم‌ترین الفاظ مبهم در اسناد نیز لفظ «عن» است که به طور مطلق از طریق تحمل حدیث ساکت است و بر هیچ‌یک از طرق دلالت روشنی ندارد.

وجود الفاظ مبهم در اسناد روایات، باعث می‌شود که طریق تحمل حدیث بر شنونده مخفی بماند و به همین دلیل از اتقان روایت کاسته و میزان اعتماد به آن در حد قابل توجهی تقلیل یابد. گذشته از این، الفاظ مبهم همواره یکی از ابزارهای راویان دروغگو و مدلس برای دست بردن در روایات و مخفی کردن عیوب روایت به شمار می‌رفته است. (معارف، ۳۶۳) لذا محدثان و عالمان، به ویژه در دوره‌های متأخر، همواره تلاش می‌کردند تا طریق تحمل حدیث را به خوبی شناسایی و با وضوح تمام منتقل کنند تا بعدها حدیث‌شان در مظان اتهام قرار نگیرد.

### ۲- طرق تحمل حدیث در الکافی

در این بخش از پژوهش، اسناد روایات الکافی مورد بررسی قرار گرفته و صحت و سقم این ادعا سنجیده می‌شود. برای این منظور، اسناد روایات جامعه آماری این پژوهش که در مجموع ۸۰۳ روایت است، بررسی شده و طرق تحمل واضح و مبهم آن از یک‌دیگر جدا شده است.

### ۱-۲-۱- تعبیرات واضح در اسناد الکافی

بر خلاف برخی تصورات، روایات الکافی چندان هم از نظر طرق تحمل مبهم نیست و بخش قابل توجهی از روایات الکافی، به ویژه در طبقه‌ای که راوی از معصوم نقل می‌کند و مهم‌ترین بخش سند به شمار



می‌رود، دارای طریق تحمل واضحی است. در اسناد الکافی برخی تعبیرات وجود دارد که به وضوح وجه تحمل حدیث را بیان می‌کند که مهم‌ترین و پربسامدترین آن‌ها به شرح زیر است:

الف) سمعت/سمعتنا: این اصطلاح به اتفاق محدثان و عالمان درایه، واضح‌ترین عبارت در بیان طریق تحمل حدیث است؛ چرا که این لفظ در شنیدن مستقیم راوی از مروی‌عنه ظهور دارد و هیچ معنای دیگری را بر نمی‌تابد. (مامقانی، مقیاس الهدایه، ۶۹/۲؛ شهید ثانی، ۲۳۵) از میان ۴۳۳ روایتی که در سه کتاب نخست الکافی بررسی شد، تعداد ۵۷ روایت در طبقه متصل به معصوم با این لفظ گزارش شده است. (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱/۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰ و...) این رقم حدود سیزده درصد روایات را شامل می‌شود. در بخش‌های میانی کتاب نیز شرایط به همین منوال است. از میان ۱۲۲ روایتی که در بیست باب اول کتاب الحج بررسی شد، حدود ده روایت در طبقه متصل به معصوم با این لفظ گزارش شده که حدود نه درصد روایات را شامل می‌شود. در کتاب الوصایا - که جزو کتاب‌های انتهایی فروع است - از میان ۱۴۸ روایتی که در ۲۳ باب اول این کتاب بررسی شد، میزان کاربردست این لفظ حدود سه درصد است. در بخش روضه نیز آمار میزان کاربردست این الفاظ، به این ارقام نزدیک است و در میان صد روایت پایانی کتاب روضه، ۱۴ بار در طبقه متصل به معصوم از این لفظ استفاده شده است. در مجموع در جامعه آماری این پژوهش، میزان کاربردست الفاظ این گروه، چیزی حدود ده و نیم درصد است.

ب) حدثی/حدثنا: به اتفاق عالمان درایه، این تعبیر پس از «سمعت/سمعتنا» بیشترین دلالت را بر سماع دارد و هر چند به طور ضعیف روش‌های دیگر تحمل حدیث را می‌رساند، اما دلالت آن بر سماع، بسیار بیشتر است. (ابن‌صلاح، ۹۸؛ شهید ثانی، ۲۳۴) در اسناد کتاب‌های ابتدایی الکافی حدود ۱۴ مورد از این الفاظ شده است (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱/۱۰، ۴۳، ۷۲۵۷، ۷۸، ۸۱ و...) که سه و نیم درصد روایات را شامل می‌شود. در بخش‌های میانی و پایانی فروع، بسامد کاربردست این واژه به ترتیب حدود ۲/۵ و ۱/۵ درصد است. در بخش روضه نیز آمار کاربردست این واژه‌ها، سه درصد است. در مجموع میانگین کاربردست این الفاظ در جامعه آماری این پژوهش، سه درصد است.

ج) قال لی: ... / قلت له: ... / فقال: ... / سألت: ... / فقال: ... / قال: ... یا فلان/ ذاکرت أباعبدالله فیما ... / دخلت علی ... / فقال: ... / وصفت لـ ... / فقال: ... / کنت فی مجلس ... / فقال: ... / فأنشأ یقول ابتداء من غیر أن أسأله/ قال: أکتب فأملی علی/ کنت بین یدی ... / فقال: ...: این الفاظ هر یک به نوعی در ردیف الفاظ واضح تحمل حدیث قرار می‌گیرند؛ چگونگی وضوح دلالت این الفاظ بر طریق تحمل حدیث به شرح زیر است: «قال لی» به وضوح بر این امر دلالت دارد که راوی به طور مستقیم و به احتمال زیاد به تنهایی مخاطب کلام امام بوده و روایت را مستقیماً از ایشان اخذ کرده است. (شهید ثانی، ۲۳۶؛ برای ملاحظه برخی کاربردست‌های این لفظ در الکافی ر.ک: کلینی، ۱/۱۳، ۳۴، ۳۵، ۴۲ و...) «قلت له: ... / فقال: ...» نیز بر این

امر دلالت دارد که راوی نزد امام بوده و با او گفت‌وگو می‌کرده است؛ خواه کس دیگری هم در این گفت‌وگو حضور داشته یا نداشته باشد. در هر حال راوی، روایت را مستقیماً از امام اخذ کرده است. (شهید ثانی، ۲۳۶؛ برای ملاحظه برخی کاربردهای این لفظ در الکافی ر.ک: کلینی، ۱/ ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۶ و ...) «سألت: ... فقال: ...» نیز بر سؤال و جواب دلالت دارد که لازمه آن مشافهت است و در تلقی شفاهی ظهور دارد. (عسکری، ۴۵، ۲۸۶ و ۲۸۷؛ برای ملاحظه برخی کاربردهای این لفظ در الکافی ر.ک: کلینی، ۱/ ۸۶، ۹۱، ۹۴، ۱۰۲ و ...) «قال ... علیه السلام: یا فلان...» (کلینی، ۱/ ۱۶۵) نیز بر این نکته دلالت دارد که راوی مخاطب مستقیم امام بوده و امام او را با لفظ ندا خطاب کرده است. (شهید ثانی، ۲۳۶) «ذاکرت ... فیما ...» (کلینی، ۱/ ۹۸) نیز بر مذاکره و گفت‌وگوی حضوری و شفاهی دلالت دارد که به صدور حدیث منجر شده است. «دخلت علی ... فقال: ...» (همان، ۱۰۱) نیز بر این نکته دلالت دارد که راوی به حضور امام رسیده و تلقی روایت به صورت شفاهی انجام شده است. «وصفت ل... فقال: ...» (همان، ۱۰۵ و ۱۰۶) نیز این نکته را می‌رساند که راوی سؤالی را به امام عرضه کرده و امام پس از شنیدن توصیفات راوی که ظاهراً به صورت شفاهی انجام شده است، بیانی ارائه فرموده‌اند که راوی آن را به صورت شفاهی از ایشان اخذ کرده است. «كنت فی مجلس ... فقال» (همان، ۱۱۰) هم به وضوح بر این نکته دلالت دارد که راوی در مجلسی که امام القای سخن می‌کرده است، حضور داشته و سخن را همراه دیگران از امام اخذ کرده است. «فأنشأ یقول ابتداء من غیر أن أسأله» (همان، ۱۴۵) هم طریقی واضح است که حکایت از این دارد که راوی در مجلس امام حاضر بوده و امام بدون اینکه پرسشی از ایشان پرسیده شود، سخنی را آغاز فرموده‌اند که راوی آن را گزارش می‌کند. عبارت «قال: أکتب فأملى علیّ» (همان، ۱۶۴) نیز نشان می‌دهد که امام راوی را مورد خطاب قرار داده و به او دستور کتابت آنچه را که املا می‌نموده است، داده و راوی مطلب را مستقیم از امام گرفته و در همان مجلس نوشته است. عبارت «كنت بین یدی ... فقال: ...» (همان، ۱۵۳) هم ظهور در این دارد که راوی در برابر امام حاضر بوده و مطلب را مستقیم از ایشان اخذ کرده است.

ملاحظه می‌شود که این تعبیرات یازده‌گانه به وضوح طریق تحمل حدیث را بدون هیچ ابهامی گزارش می‌کند و لذا در شمار طرق واضح تحمل می‌تواند قرار گیرد. کلینی ۸۷ روایت از روایات کتاب‌های سه‌گانه نخست را با این الفاظ گزارش کرده است که حدود ۲۰ درصد روایات را تشکیل می‌دهد. در باب‌های میانی فروع، ۴۵ روایت با این الفاظ گزارش شده و در باب‌های پایانی فروع نیز ۵۷ روایت با استفاده از این الفاظ گزارش شده است که به ترتیب ۳۷ درصد و ۳۸ درصد روایات را جامعه آماری بخش فروع الکافی را شامل می‌شود. در بخش روضه نیز ۱۷ درصد روایات با این الفاظ گزارش شده است. در مجموع، بسامد کاربردهای این الفاظ در کل جامعه آماری این پژوهش حدود ۲۶ درصد است.

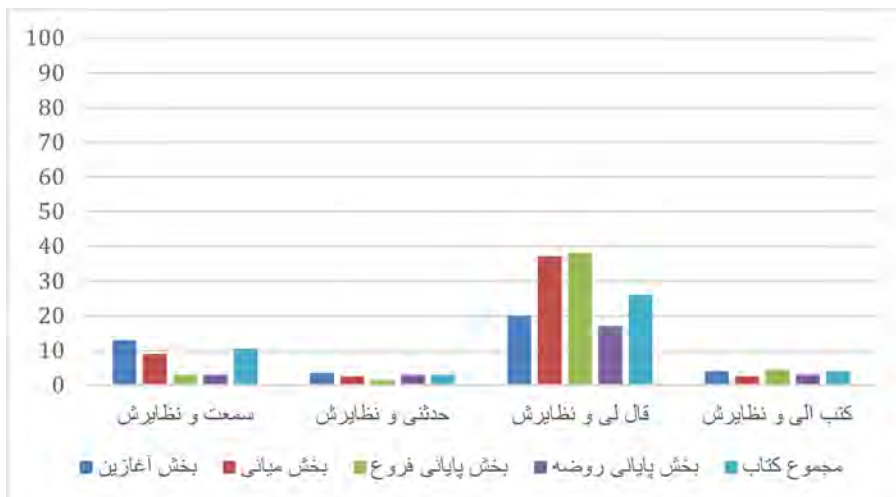
(د) کتب الیّ / کتبت الی ... فکتب / کتبت علی یدی ... الی ... / فکتب الیّ بخطه: این الفاظ نیز در ردیف

واژگان واضح در طریق تحمل حدیث قرار دارد و به خوبی طریق تحمل را که همان کتابت بوده است، معلوم می‌کند. عبارت «کتب الی» (همان، ۸۶، ۱۰۲ و...) نشان‌دهنده این است که امام نامه‌ای را به راوی نوشته و راوی محتوای آن را گزارش می‌کند. «کتبُ الی... فکتب» (همان، ۹۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴ و...) نشان‌دهنده این است که راوی نامه‌ای به امام نوشته و چیزهایی از او پرسیده، آن گاه امام در جواب این نامه، مطالبی را نوشته و به راوی ارسال کرده است که راوی آن‌ها را گزارش می‌کند. «کتبُ علی یدی... الی...» (همان، ۱۰۰) نیز بر این نکته دلالت دارد که راوی مکتوبی را نزد کسی نوشته و به امام ارسال کرده است و امام پاسخ آن را به وی ارسال کرده است. عبارت «فکتب الی بخطه» (همان، ۱۴۰) نیز نشان‌دهنده این است که راوی خط امام را می‌شناخته و امام نوشته‌ای برای راوی ارسال کرده است. کلینی در ۱۸ مورد از روایات کتاب‌های سه‌گانه نخست الکافی به این طریق تحمل اشاره کرده است که در مجموع حدود چهار درصد روایات این باب‌ها را تشکیل می‌دهد. در ابواب میانی و پایانی فروع نیز به ترتیب ۲/۵ و ۴/۵ درصد روایات با این الفاظ منعکس شده و در بخش روضه نیز در ۳ درصد روایات از این الفاظ استفاده شده است. در مجموع حدود ۴ درصد روایات جامعه آماری این پژوهش با این الفاظ منعکس شده است. با بررسی مجموع الفاظ واضح یادشده مشخص می‌شود که در اسناد حدود ۴۳ درصد از روایات الکافی، دست‌کم در طبقه متصل به معصوم، از الفاظ واضح تحمل حدیث استفاده شده است.

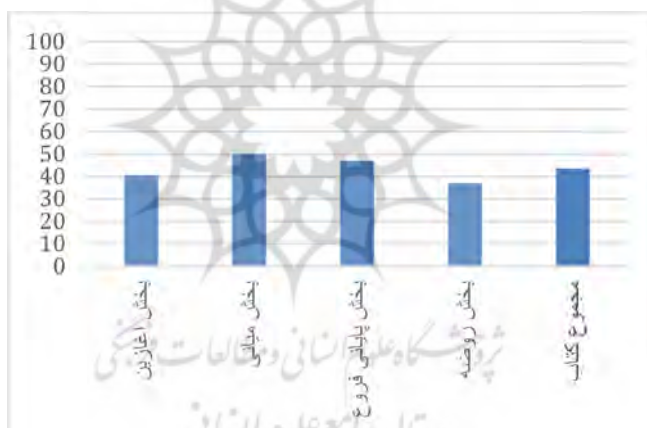
جدول شماره ۱: میزان کاربردست الفاظ تحمل واضح در اسناد الکافی

لفظ	بخش‌های آغازین کتاب (۴۳۳ روایت)	بخش‌های میانی کتاب (۱۲۲ روایت)	بخش‌های پایانی فروع کافی (۱۴۸ روایت)	بخش پایانی روضه کافی (۱۰۰ روایت)	مجموع (۸۰۳ روایت)
سمعت و نظایر آن	۵۷ مورد	۱۰ مورد	۴ مورد	۱۴ مورد	۸۵ مورد
حدثنی و نظایر آن	۱۴ مورد	۳ مورد	۲ مورد	۳ مورد	۲۲ مورد
قال لی و نظایر آن	۸۷ مورد	۴۵ مورد	۵۷ مورد	۱۷ مورد	۲۰۶ مورد
کتب الی و نظایر آن	۱۸ مورد	۳ مورد	۷ مورد	۳ مورد	۳۱ مورد
مجموع	۱۷۶ مورد	۶۱ مورد	۷۰ مورد	۳۷ مورد	۳۴۴ مورد

نمودار شماره ۱: درصد کاربست انواع الفاظ واضح در بخش های مختلف الکافی



نمودار شماره ۲: درصد کاربست الفاظ واضح در اسناد الکافی



## ۲-۲- تعبیّرات مبهم در اسناد الکافی

با وجود الفاظ واضح تحمل حدیث در اسناد الکافی، الفاظ مبهم نیز در آن به وفور یافت می شود؛ به ویژه در طبقات بعدی سند که اغلب طرق تحمل مخفی شده و با الفاظ مبهم گزارش شده است. کلینی از میان همه الفاظی که می توانست در طریق تحمل حدیث مبهم باشد، تنها از دو لفظ «قال» و «عن» استفاده کرده است.

الف) قال: به باور اغلب عالمان درایه، اگر این لفظ به طور مطلق بیاید، دلالتی دوگانه دارد و در شمار الفاظ مبهم تحمل حدیث قرار می گیرد؛ زیرا مشخص نمی کند که آیا راوی خودش حدیث را شنیده یا از

شنیده‌های دیگران حکایت می‌کند و نیز آیا امام، روایت را در مقام تحدیث بیان کرده یا در مقام دیگری مثلاً در مقام مناظره بوده است. (شهید ثانی، ۲۳۶؛ خطیب بغدادی، ۲۹۰؛ مامقانی، مقباس الهدایه، ۲، ۱۶۲) کلینی در کتاب‌های سه‌گانه نخست، در اسناد پنجاه روایت از این واژه استفاده کرده است که در مجموع دوازده درصد کل روایات بررسی شده را تشکیل می‌دهد. آمار کاربرد این لفظ در سایر بخش‌ها نیز قریب به همین مقدار است.

ب) عن: این لفظ به اتفاق عالمان درایه از ضعیف‌ترین الفاظ در ذکر طریق تحمل است که در آن شیوه نقل و انتقال روایت به طور کلی مخفی می‌ماند. بر همین اساس است که برخی محدثان، حدیث معنعن را در شمار روایات ضعیف قرار می‌دهند. (صبحی صالح، ۱۶۷) زیرا این لفظ تنها در اتصال سند ظهور دارد و در کیفیت اتصال آن گویا نیست؛ از این رو کتمان عمدی وجه تحمل حدیث نوعی تدلیس به شمار می‌رود. (معارف، ۳۶۳) اما به باور بیشتر محدثان چنانچه سه شرط ملاقات راوی با مروی‌عنه، عدالت راوی و سلامت وی از تدلیس اثبات شود، می‌توان آن را صحیح دانست. (صبحی صالح، ۱۶۶) کلینی در حدود ۲۰۷ مورد از روایات این سه کتاب اول، از این تعبیر استفاده کرده است که به تنهایی حدود ۴۸ درصد روایات بررسی شده را شامل می‌شود. در بخش‌های میانی و پایانی کتاب هم آمار کاربرد این لفظ به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد.

ملاحظه می‌شود که در اسناد حدود ۶۰ درصد از روایات الکافی، از الفاظ مبهم تحمل حدیث استفاده شده است که هر چند در طبقه مربوط به خود کلینی این مسئله می‌تواند با استناد به سه شرط یادشده (عدالت راوی، ملاقات راوی با مروی‌عنه و سلامت راوی از تدلیس) حل و روایات حمل بر صحت شود، اما در طبقات بالاتر - دست‌کم در برخی موارد - اثبات هر سه شرط یادشده دشوار است. لذا چپستی و چرایی این امر باید به روشنی تبیین شود وگرنه به اعتبار روایات الکافی آسیب جدی وارد می‌شود. آنچه در پی می‌آید، بررسی اسباب و عوامل این ابهام و رفع اتهام از کلینی و الکافی در پرتو مقایسه الکافی با سایر منابع مهم روایی عصر کلینی است.

### ۳- عوامل کاربرد الفاظ مبهم در اسناد الکافی

از آنچه گفته آمد روشن شد که بیش از نصف روایات کتاب الکافی، حتی در همان طبقه نخست سند، یعنی طبقه متصل به معصوم، از نظر طریق تحمل حدیث مبهم است. اما باید دید که اسباب و عوامل این ابهام چیست و چرا کلینی، با اینکه از محدثان زبده عصر خود بوده، روایات کتاب خود را این‌گونه با ابهام روبه‌رو ساخته و با دست خود، اعتبار روایات خود را زیر سؤال برده است؟ آیا کلینی با طرق تحمل حدیث آشنا نبوده است یا اینکه او از راویانی بوده که تلاش کرده با مخفی کردن طریق تحمل روایاتش، ضعف سندی روایات خود را پوشیده دارد؟

هر دو فرض یادشده بر اساس قراین و شواهد فراوانی که در دست است، منتفی است؛ زیرا عظمت شخصیتی کلینی و تبحر او در دانش حدیث و رجال بر کسی پوشیده نیست و دوست و دشمن بر عظمت علمی و مقام و جایگاه بلند او در دانش‌های دینی و معارف شیعی اعتراف کرده‌اند؛ چنان‌چه برای نمونه ابن‌اثیر، از دانشمندان اهل سنت، او را احیاکننده مذهب شیعه در پایان قرن سوم هجری معرفی کرده است.<sup>۱</sup> (ابن‌اثیر، ۱۲/ ۲۲۱) یا نجاشی، رجال‌شناس بزرگ شیعه، او را شیخ اصحاب در ری و چهره درخشان شیعه و موثق‌ترین آن‌ها در حدیث و ضبط آن معرفی کرده است. (نجاشی، ۳۷۷) بنابراین، اتهام ناآشنایی کلینی با طرق تحمل حدیث یا مدلس بودن وی، با حقایق تاریخی سازگاری ندارد. از سوی دیگر عالمان مسلمان از دیرباز به روایات او اعتماد کرده و پیوسته آن‌ها را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند که این هم سندی بر درستی روایات نقل شده توسط او است.

ساده‌ترین دلیلی که برای این اقدام کلینی در برخی منابع متأخر شیعی ارائه شده، این است که کلینی برای اینکه کتاب حجیم خود را خلاصه کند، دست به این کار زده است. (حجت، ۴۸) آن‌گاه برای توجیه این اقدام ادعا شده است که «عنونه» در سند یکی از شیوه‌های رایج اختصار در اسناد است و با توجه به وثاقت و اعتبار مؤلف، طبق نظر محدثان شیعه خللی به اعتبار اسناد وارد نمی‌کند. (همان، ۴۹) با این حال اهمیت تحدیث و کتاب‌های حدیثی بر کسی پوشیده نیست و محدثی مثل کلینی قطعاً آسیب‌های حدیث را می‌شناخت و می‌دانست که هر کاری که در راستای کاستن از اعتبار روایات کتاب خود انجام دهد، ممکن است در آینده راه طعن بر کتاب او را باز کند و باعث شود اتقان و اعتبار روایات کتابش زیر سؤال برود. بنابراین، حقیقت آنچه را که کلینی انجام داده است، باید در جای دیگری جست‌وجو کرد و آن چیزی جز سنت رایج در نقل و گزارش حدیث در دوران کلینی نیست؛ چنان‌که بخاری و به ویژه مسلم نیز در نگارش کتاب‌های حدیثی خود از این سنت پیروی کرده و احادیث کتاب‌های خود را به صورت معنعن گزارش کرده‌اند. (صبحی صالح، ۱۶۶)

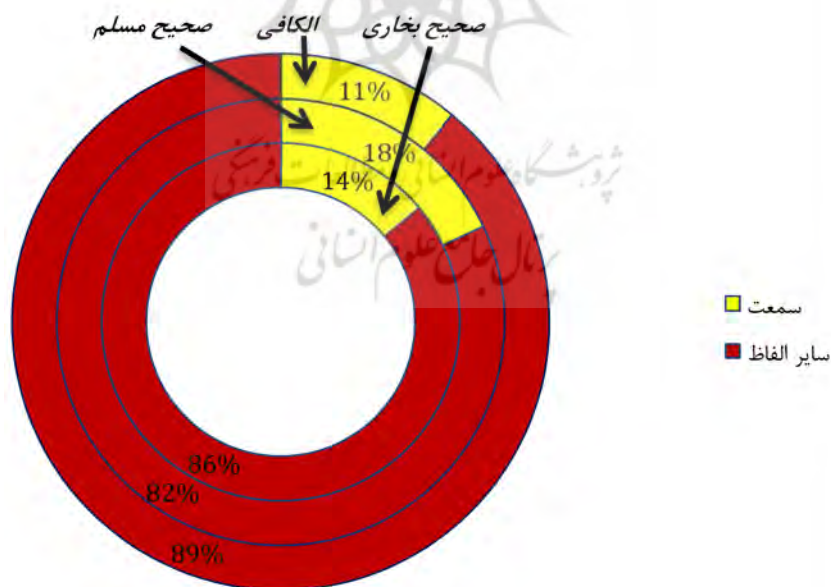
### ۳-۱- پیروی کلینی از سنت رایج زمان خود در گزارش حدیث

آنچه از بررسی و مقایسه کتاب کلینی با سایر منابع رجالی شیعه و سنی بر می‌آید، این است که کلینی در انتخاب الفاظ طرق تحمل حدیث کتاب خود، از قاعده و سنتی پیروی کرده است که در زمان او معمول و رایج بوده است. تحقیقات نشان می‌دهد که استفاده از الفاظ واضح تحمل حدیث در اسناد روایات، در قرن‌های اول و دوم چندان رواج نداشته است. بلکه از نیمه دوم قرن دوم به بعد بود که اندک‌اندک توجه محدثان به این مسئله معطوف گشت و البته نفوذ این الفاظ در اسناد هم مدت زیادی طول کشید (پاکتچی، ۶۴۱؛ حسینی جلالی، ۶۵)؛ چنان‌که بسیاری از محدثان طراز اول سنی نیز در کتاب‌های خود چندان به

۱. این سخن ناظر به حدیثی منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: در رأس هر مانه (صد سال) دانشمندی از این امت برمی‌خیزد که رسوم دین را تجدید می‌نماید. (ابن‌اثیر، ۱۲/ ۲۲۰) لذا در هر قرن یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های اسلامی را مصداق این سخن به شمار آورده‌اند. ابن‌اثیر احیاکننده مذهب شیعه در پایان قرن اول را امام باقر، در پایان قرن دوم امام رضا و در پایان قرن سوم، محمد بن یعقوب کلینی معرفی کرده است. (ابن‌اثیر، ۱۲/ ۲۲۲)

این الفاظ توجهی نشان نداده‌اند؛ مثلاً طبق یک بررسی که روی صحیح بخاری و مسلم انجام شده، تعبیر «سمعت» تنها در چهارده درصد اسناد صحیح بخاری آمده است و این رقم در صحیح مسلم، نزدیک به هجده درصد است. (پاکتچی، ۶۴۱) این امر نشان می‌دهد که کاربرست این لفظ در زمان بخاری و مسلم چندان رایج نبوده و نفوذ این الفاظ در اسناد به کندی انجام می‌شده است. مقایسه این رقم با میزان کاربرست این لفظ در الکافی نتایج جالبی را در پی دارد. همان‌طور که گفته شد، کلینی از این لفظ در حدود ده و نیم درصد از اسناد الکافی استفاده کرده است. این رقم به رقم بخاری بسیار نزدیک است با این تفاوت که بخاری و مسلم کتابشان را در پایان نیمه اول قرن دوم هجری نگاشته‌اند. این بدان معناست که کاربرست این الفاظ در اسناد در اواخر نیمه اول قرن دوم هجری تازه آغاز شده بود و احتمال می‌رود با مقاومت‌هایی نیز روبه‌رو بوده است؛ زیرا معمولاً در هر شیوه نویی که ابداع می‌شود، عده‌ای سر به مخالفت بر می‌دارند؛ چنان‌که گزارش شده است که در ربع دوم قرن دوم هجری مخالفت‌هایی با این امر وجود داشت با این استدلال که عبارات مربوط به تحمل حدیث، ابزاری برای ایجاد شرایط کاذب برای قبول حدیث است. (پاکتچی، ۶۴۲) مجموع این عوامل باعث شده است که روند نفوذ این شیوه (یعنی ذکر صریح طریق تحمل حدیث در اسناد) به کندی صورت پذیرد و تا زمان تألیف الکافی که حدود پنجاه سال پس از تألیف صحیح بخاری است، هنوز به امری کاملاً مرسوم در میان محدثان تبدیل نشود.

نمودار شماره ۳: بسامد کاربرست لفظ سمعت در مقایسه با سایر الفاظ تحمل در صحیحین و الکافی



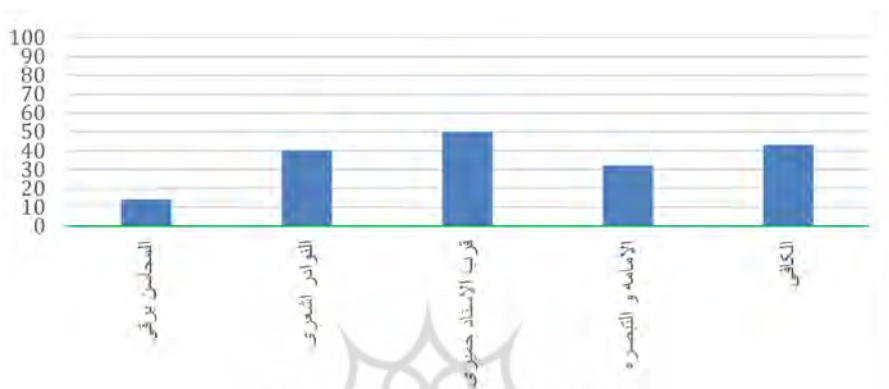


نکته دیگری که باید بدان توجه داشت، این است که حوزه مدرسه امامیه از حوزه مدرسه اهل سنت جدا بوده و لزوماً این‌گونه نبوده است که هر چه در مدرسه اهل سنت ظهور یابد، بلافاصله در مدرسه شیعی نیز مورد استقبال قرار گیرد. لذا استفاده از این الفاظ، پس از شکل‌گیری‌شان در مکتب حدیثی اهل سنت، به مدرسه شیعی چندان با شتاب راه نیافت و محدثان به همان شیوه‌های قدیمی گزارش اسناد - یعنی گزارش اسناد با الفاظ تحمل مبهم - وفادار ماندند؛ چنان‌که بررسی‌ها نشان می‌دهد که همزمان با شیوع استفاده از این الفاظ در محافل سنی در سده سوم، این شیوه به محافل شیعی نیز راه یافته، اما هرگز به طریق غالب تبدیل نشده است. (پاکتچی، ۶۴۴؛ ایزدی، ۱۰) بررسی کتاب‌هایی چون محاسن برقی و النوادر احمد بن محمد بن عیسی که از محدثان شیعی قرن سوم (زمان پیش از تألیف الکافی) هستند، نشان می‌دهد که اغلب این متون نیز با طرق تحمل به ظاهر مبهم گزارش شده است و لذا در این قرن که کلینی در آن دانش آموخته و خود را آماده تألیف کتاب الکافی می‌کرده است، هنوز استفاده از الفاظ تحمل واضح در میان محدثان شیعی جایگاه خود را پیدا نکرده بود. بررسی «کتاب الأشکال و القرائن» که نخستین بخش از کتاب محاسن برقی است و حاوی ۵۱ حدیث است، نشان می‌دهد که تنها در هفت حدیث (برقی، ۲۰-۱، احادیث شماره ۷، ۹، ۱۷، ۲۰، ۴۹، ۵۰ و ۵۱) آن هم تنها در طبقه متصل به معصوم، از لفظ «سمعت» استفاده شده و در یک مورد نیز از عبارت «كنت مع ابي جعفر ... فقال» (برقی، ۹) که بر مشافهه دلالت دارد، استفاده شده است. این رقم حدود چهارده درصد اسناد برقی را شامل می‌شود که با رقم بخاری برابر است و آمار مربوط به کلینی هم به آن بسیار نزدیک است.

همچنین بررسی اسناد النوادر احمد بن محمد بن عیسی نشان می‌دهد که در پنجاه حدیث اول این کتاب، تنها در چهار حدیث (اشعری قمی، احادیث شماره ۱، ۳، ۱۲ و ۴۵)، یعنی هشت درصد اسناد، از لفظ «سمعت» و در یک مورد (اشعری قمی، حدیث ۲۷) نیز از لفظ «قال لی» بهره گرفته شده است. در یک مورد نیز از لفظ «قلت لابی الحسن ... قال: ...» استفاده شده است (اشعری قمی، حدیث ۲۱) که بر مشافهه دلالت دارد. در چهارده مورد نیز (اشعری قمی، احادیث شماره ۵، ۱۸، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳ و ۵۰) از لفظ «سألت ... فقال: ...» استفاده شده است که این نیز بر مشافهه دلالت دارد. مجموع این الفاظ - که جملگی از الفاظ واضح در طریق تحمل حدیث هستند - جمعاً حدود چهل درصد اسناد النوادر را تشکیل می‌دهد که با آمار الفاظ واضح کلینی کاملاً مطابقت دارد؛ چه در کتاب کلینی هم در مجموع در بیش از چهل درصد اسناد از طرق تحمل واضح استفاده شده است. در پنجاه روایت نخست قرب الاسناد حمیری هم تنها در پنج روایت (احادیث شماره ۱، ۲۲، ۲۳، ۲۷ و ۵۰) از لفظ «سمعت» استفاده شده است که آن



هم ده درصد اسناد را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup> همچنین در پنجاه حدیث اول الامامه و التبصره نیز تنها در شانزده مورد از الفاظ تحمل واضح استفاده شده است که این رقم ۳۲ درصد اسناد را تشکیل می‌دهد که از آن میان تنها در شش حدیث از لفظ «سمعت»، در پنج مورد از لفظ «قلت ل... فقال:...»، در چهار مورد از لفظ «سألت... فقال:...» و در یک مورد از لفظ «كنت عند... فقال:...» استفاده شده است. (ابن بابویه، ۲۱-۶۳) نمودار شماره ۴: مقایسه میزان کاربرست الفاظ تحمل حدیث، در الکافی و منابع قبل از آن



حاصل سخن این است که کلینی در زمان تألیف الکافی از سنتی پیروی کرده است که در میان محدثان شیعی رایج بوده است و از این لحاظ خرده‌ای بر او نمی‌توان گرفت. اما بررسی کتاب‌های پس از الکافی نشان از آن دارد که این الفاظ در دوره‌های بعد در محافل امامیه نیز جای خود را باز کرد و اندک اندک به رسمی معمول مبدل گردید. البته در این میان کتاب «من لا یحضره الفقیه» را باید مستثنا دانست؛ زیرا در این کتاب تنها در موارد انگشت‌شماری از الفاظ واضح استفاده شده است.<sup>۲</sup> (برای نمونه ر.ک: صدوق، من لایحضره الفقیه، ۲/ ۱۸۲ و ۲۳۸) با این حال در سایر آثار صدوق و نیز آثار محدثان دیگر بعد از کلینی، در سطحی گسترده از این تعبیر استفاده شده است. مثلاً بررسی پنجاه حدیث اول تهذیب الاحکام از آن حکایت دارد که در هفت مورد از لفظ «سمعت»، در شش مورد از لفظ «قلت ل... فقال:.../ قال لی» و در بیست مورد هم از لفظ «سألت... فقال:...» استفاده شده است که جملگی از الفاظ واضح در تحمل حدیث است و در مجموع بیش از ۶۶ درصد اسناد تهذیب الاحکام را شامل می‌شود. همچنین بررسی پنجاه حدیث اول خصال صدوق نشان می‌دهد که در همه آن‌ها از لفظ «حدثنا» یا «اخبرنا» استفاده شده است که از الفاظ واضح در تحمل حدیث به شمار می‌رود. (ر.ک: صدوق، خصال، ۴۰-۱)

۱.. البته در قرب الاسناد به دلیل ماهیت خاص اسناد آن، که اغلب از یک طریق (حدیثی مسعده بن صدقه قال: حدیثی جعفر بن محمد عن ابیه) روایت شده است، لفظ «حدیثی» در حدود ۲۵ روایت از ۵۰ روایت به کار رفته است.

۲.. شاید دلیل این امر ساختار خاص من لایحضره باشد که به مثابه یک دوره فقه استدلالی است و اسناد در آن حذف و در قالب مشیخه در آخر کتاب آمده است. البته صدوق در مشیخه نیز تنها به لفظ «عن» بسنده کرده و از سایر الفاظ تحمل حدیث استفاده نکرده است.

مجموع این بررسی‌ها نشان می‌دهد که کلینی در تألیف کتابش از شیوه معمول زمان خود عدول نکرده و این شیوه یعنی نقل معنعن، مرسوم محدثان آن زمان بوده است. نیز ایشان در بررسی اعتبار روایت صرفاً به کیفیت تحمل حدیث توجه نداشته و از منظر محدثان، عوامل مختلفی در اعتبار یک روایت دخیل بوده که بررسی این عوامل خود نیازمند مقالی دیگر است.<sup>۱</sup>

### ۳-۲. تفاوت کارکرد لفظ «عن» در اسناد شیعه و اهل سنت

نکته قابل توجه دیگر این است که اصولاً کارکرد «عن» در اسناد شیعی و سنی با هم تفاوت دارد؛ زیرا اعتبار لفظ «عن» در اسناد امامی سده‌های سوم و چهارم هجری بسیار بیشتر از اعتبار آن نزد اهل سنت در آن دوران است؛ چه اهل سنت در طی این سده‌ها، احادیث «معنعن» را ضعیف تلقی می‌کردند، در حالی که امامیه چنین تلقی‌ای از آن نداشته و به وضوح آن را در روایات خود به کار می‌گرفته‌اند و از آن چیزی جز مفهوم اتصال سند و اعتبار روایت برداشت نمی‌کرده‌اند. در واقع عنعنه در صورتی رساننده ضعیفی در اسناد است که کاربرد اصطلاحاتی چون «أخبرنا» و «حدثنا» پذیرش عام یافته باشد و استفاده از «عن» نیز به معنای پرهیز از استفاده از تعابیر «اخبرنا» و «حدثنا» باشد و این چیزی است که عمومیت آن نزد عالمان شیعی قرن‌های سوم و چهارم پذیرفته نبوده است. (پاکتچی، ۶۴۵)

علاوه بر این، بررسی منابع مهم اهل سنت نیز نشان از آن دارد که غالب محدثان طراز اول سنی نیز از کاربرد لفظ «عن» در روایات ابایی نداشتند؛ چنان‌که ملاحظه اسناد سه کتاب اول صحیح بخاری (کتاب‌های بدء الوحی، الایمان و العلم) که در مجموع ۱۳۴ روایت دارد، نشان دهنده این است که بخاری در این ۱۳۴ روایت، حدود ۴۰۷ بار از لفظ «عن» در گزارش اسناد استفاده کرده است که آمار قابل توجهی است. این امر به وضوح نشان دهنده این مطلب است که محدثان نخستین از لفظ «عن» چیزی فراتر از اتصال سند، برداشت نمی‌کرده‌اند و ظهور برخی مسایل در سده‌های بعدی باعث شد تا محدثان به طبقه بندی و ارزش‌گذاری الفاظ تحمل حدیث روی بیاورند و لفظ «عن» را در شمار الفاظ مبهم تحمل حدیث قرار دهند و به تبع آن، احادیث معنعن را نیز در ردیف احادیث ضعیف به شمار آورند.

### نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد موارد زیر به عنوان خلاصه و نتیجه بحث تقدیم می‌شود:

۱- برخلاف تصور عمومی که اسناد روایات الکافی را اغلب فاقد طریق تحمل واضح قلمداد می‌کند، در حدود نصف روایات این کتاب، دست‌کم در طبقه متصل به معصوم - از طرق تحمل واضح و روشن استفاده شده است.

۱. این موضوع در منابع با عنوان ملاک‌های صحت حدیث نزد قداما بررسی می‌شود. (ر.ک: پهلوان، فصل‌های پنجم و ششم)

۲- اینکه برخی ادعا کرده‌اند کلینی برای خلاصه کردن کتاب خود و کاستن از حجم آن، با توجه به انبوه روایات ذکر شده در الکافی، به تلخیص اسناد و ذکر آن به صورت معنعن مجبور شده است، چندان صحیح نیست؛ زیرا کلینی فردی آشنا به اخبار و شرایط نقل روایت بود و محدثی مثل کلینی که آسیب‌های حدیث را می‌شناخت، می‌دانست که هر کاری در راستای کاستن از اعتبار روایات کتابش، ممکن است در آینده راه طعن بر کتاب او را باز کند و باعث تردید در اتقان و اعتبار روایات کتابش باشد.

۳- در مجموع ۸۰۳ روایت از الکافی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته، در ۸۵ مورد، مشتقات لفظ سمعت، ۲۲ مورد مشتقات حدثی، ۲۰۶ مورد قال لی و نظایر آن و ۳۱ مورد لفظ کتب الی و نظایر آن به کار رفته است. این یعنی در حدود ۴۳ درصد روایات الکافی (۳۴۴ مورد) از الفاظ واضح طرق تحمل، دست‌کم در طبقه متصل به معصوم استفاده شده است.

۴- کلینی در انتخاب شیوه گزارش اسناد روایات الکافی، از شیوه رایج در عصور خود استفاده کرده و به همان روشی رفته است که محدثان پیش از او و عالمان هم‌عصر او، آن را انتخاب کرده بوده‌اند. در حقیقت ذکر طریق تحمل حدیث در سند، آن هم به صورت واضح، امری است که در اواسط قرن دوم هجری، آن هم به صورت محدود و در میان اهل سنت پا گرفت و تا زمان تألیف الکافی در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، هنوز به صورت گسترده به مدرسه شیعی راه نیافته بود و عالمان شیعی چندان رغبتی به استفاده از این اصطلاحات از خود نشان نمی‌دادند. آمار مربوط به استفاده از الفاظ واضح تحمل حدیث در الکافی، با آمار موجود از این الفاظ در صحیحین نیز تقریباً برابر است و این نشان می‌دهد که در اواسط قرن سوم هجری، در مدرسه حدیث اهل سنت نیز هنوز استفاده از این الفاظ چندان فراگیر نشده بود.

۵- اعتبار لفظ «عن» در اسناد امامی سده‌های سوم و چهارم هجری بیشتر از اعتبار آن نزد اهل سنت در آن دوران است؛ «عنعه» در صورتی می‌تواند نشانه ضعف سند باشد که کار بست اصطلاحاتی چون «أخبرنا» و «حدثنا» به صورت عمومی پذیرفته شده باشد و استفاده از «عن» نیز به معنای خودداری از کار بست تعبیر «أخبرنا» و «حدثنا» باشد؛ اما این چیزی است که عمومیت آن نزد عالمان شیعی قرن‌های سوم و چهارم پذیرفته نبود.

## منابع

- ابن اثیر جززی، مبارک بن محمد، جامع الاصول من احادیث الرسول، تصحیح: محمد حامد الفقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۴.
- ابن بابویه، علی، الامامه و التبصره، تحقیق: مدرسه الامام المهدی، قم، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۴.
- ابن دقیق العید، تقی الدین، الاقتراح فی بیان الاصطلاح، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶.
- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، مقدمه ابن صلاح، تصحیح: ابوعبدالرحمن بن عویضه، بیروت، دارالکتب العلمیه،

اول، ۱۴۱۶.

ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، بیروت، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.

اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی، النوادر، تصحیح: مدرسه الامام المهدی، قم، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۸. ایزدی، مهدی، «علل گرایش کمیته متقدمان امامیه به طرق تحمل حدیث»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۰، ۱۳۹۶، صص ۷-۲۴.

بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تصحیح: جلال الدین حسینی، تهران، اسلامیه، ۱۳۳۰.

بهائی، محمد بن حسین عاملی، مشرق الشمسین، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۸.

پاکتچی، احمد، «تحمل حدیث»، در موسوی بجنوردی، محمدکاظم و دیگران، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، صص ۶۴۶-۶۴۱.

پهلوان، منصور، پژوهشی در زمینه کتاب الکافی و مؤلف آن، تهران، نیا، چاپ اول، ۱۳۸۲.

حارثی، حسن بن عبدالصمد، وصول الاخبار الی اصول الاخبار، تصحیح: عبداللطیف کوهکمری، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۱.

حافظیان، ابوالفضل، رسایل فی درایه الحدیث، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲.

حجت، هادی، جوامع حدیثی شیعه، تهران، سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۰.

حسینی جلالی، محمدرضا، العنونه من صیغ الأداء للحدیث الشریف، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.

حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تحقیق: موسسه آل البيت، قم، آل البيت، ۱۴۱۳.

سیوطی، جلال الدین، تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، تصحیح: نظر محمد الفاریابی، بیروت، دارالطیبه، ۱۴۱۵.

خطیب بغدادی، احمد بن علی، الکفایه فی علم الروایه، تحقیق: احمد عمر هاشم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الرعايه فی علم الدرايه، تصحیح: عبدالحسین محمدعلی البقال، قم، کتابخانه مرعشی، دوم، ۱۴۱۳.

صبحی صالح، علوم حدیث و اصطلاحات آن، ترجمه عادل نادرعلی، تهران، اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۶.

صدر، سید حسن، نهایه الدرايه، تصحیح: ماجد الغرابوی، قم، نشر المشعر، بی تا.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، مقدمه: محمدصادق بحر العلوم، نجف، حیدریه، ۱۳۸۵.

\_\_\_\_\_، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، بی تا.

طریحی، فخرالدین، جامع المقال، تصحیح: محمدکاظم طریحی، تهران، المطبعه الحیدریه، بی تا.

طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تصحیح: حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.

عسکری، ابوهلال، الفروق اللغویه، تحقیق: موسسه نشر اسلامی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۲.

- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تصحیح: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، بی جا، دارالهیجره، ۱۴۰۹.
- کجوری، شیخ مهدی، الفوائد الرجالیه، تصحیح: محمدکاظم رحمان ستایش، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۸۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.
- مامقانی، عبدالله، مقیاس الهدایه، تصحیح: محمدرضا مامقانی، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۱.
- \_\_\_\_\_، تنقیح المقال، نجف اشرف: المطبعة المرتضویه، چاپ سنگی، بی تا.
- مسلم، مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران، کویر، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تصحیح: سید موسی شبیری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی